

نقاشی ماریا

میترا داور

سرشناسه: داور، میترا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور: نقاشی ماریا/میترا داور.

مشخصات نشر: تهران: پر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص.

شابک: 978-622-6041-19-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۴۳ ۱۳۹۷ ۱۷۹الف/

رده بندی دیویی: ۶۲/۳۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۶۰۶۴۷

نقاشی ماریا



- نویسنده: میترا داور
- صفحه آرای: منیر علیزاده
- چاپ اول: ۱۳۹۷
- تیراژ: ۱۱۰ نسخه
- قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۱۹-۵ ISBN: 978-622-6041-19-5

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

www.ParNashr.ir

فهرست

- ۵..... به زودی صندلی می شویم
- ۱۳..... سنگ قرمز
- ۲۵..... معرکه در باشگاه ورزشی
- ۳۵..... لنگه دمپایی ها و لنگه کفش ها
- ۴۳..... چه فرقی می کند قابلمه تو کدام قفسه باشد
- ۵۲..... قلب سفید
- ۵۷..... نه شناسنامه ام هست نه کارت ملی
- ۶۴..... دیوارهایی بدون مرز
- ۷۰..... اینجا هیچ کس قهرمان نیست
- ۷۷..... ماهی ها نمی سوزند
- ۸۶..... امامزاده صالح
- ۸۹..... آن طرف سیم خاردار
- ۹۳..... پنکه ها راه می روند
- ۱۰۰..... روز مسابقه
- ۱۰۷..... نقاشی ماریا

به زودی صندلی می شویم

سرمان را که بالا گرفتیم خودمان را تو مانتیور دیدیم.
افسانه گفت: اونجارو نگاه! عین صندلی شدیم از بس نشستیم
پشت میز.

خندیدیم، به هم اشاره کردیم با چشم و ابرو که آرام بخندیم. با
دهان بسته خندیدیم. دوباره که خودمان را تو مانتیور روی دیوار
نگاه کردیم، صورتمان پفآلود شده بود از خنده.
افسانه با صدای خفه‌ای گفت: بومب...
بعد به صندلی‌اش تو گوشه‌ی اتاق اشاره کرد و گفت: من
اوناهاشم.

دوباره پخ پخ خنده‌ای که داشت منفجر می‌شد. چند نفر آن
طرف‌تر داشتند با هم پیچ پیچ می‌کردند، بیشتر که دقت کردم داشتند
درباره پاداش آخر سال حرف می‌زدند.
آبدارچی سینی کوچکی دستش بود. وسط سینی یک پر سیاه
گذاشته بود و دورش وسایل هفت سین.
افسانه به اتاق کارم اشاره کرد، صندلی‌ام را نشان داد و گفت: تو
هم اوناهاشی .

بعد به اصرار گفت: صندلی شو... صندلی شو.
من هم دو دستم را گرفتم جلو، مثل صندلی نشستم.